

ژوئن 2019 - خرداد 1398
ویرایش: نوامبر 2022 - آبان 1401

دیدگاهی از سپهد سورنا sepahbodsorena@yahoo.com
Tweeter: [@sepahbodsorena](https://twitter.com/sepahbodsorena)

خداحافظ جمهوری

خلاصه

با مرور سیر وقایع ایران و جهان در 12 سالی که گذشت بر این باور شده ام که حکومت جمهوری در ایران کاربرد ندارد. حکومت موروئی، مذهبی، دیکتاتوری، سلطنتی هم مردود هستند. ایران برای بقا حکومتی ایرانی، ایران خواه، و ایرانی دوست میخواهد، با پندار و کردار سکولار دمکراسی و مدرنیسم. جمهوری حکومت ایرانی نیست.

آیا فیلم Species (سال 1995 میلادی) را دیده اید؟ موجود خارجی در بدن انسان وارد میشود و به مقاصد شوم خود میرسد. برای کسانی از ما که مسایل ایران را دنبال میکنیم آیا نیازی است اثبات کنیم آنچه در ایران حکمرماست جمهوری نیست؟ حکومت مافیایی جهل و جنون و جنایت و فساد در قاموس یا لباس جمهوری خود را به ما عرضه کرده است.

تعریف حکومت جمهوری در زبان ساده یعنی حکومت مردم از مردم برای مردم. یعنی حکومتی با ساختار از پایین به بالا:

- مردم، نمایندگان منتخب مردم (مقننه)
- هیئت داوری (قضاییه) با تایید نمایندگان مردم
- مدیریت مردم (مجریه-دولت) با انتخاب مردم و پاسخگویی به نمایندگان مردم

بنیان چنین حکومتی بر وجود و استقلال سه نیروی قانونگذاری، قضایی، و اجرایی برقرار میشود. برای پیدایش این نیروها، به انسجام حداقلی از مردم با باورها و انتظارات مشترک سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی نیاز میباشد. این انسجام را حزب یا گروه سیاسی میشناسیم. عدم وابستگی به اهداف بیگانگان و مغرضان درونی نشان سلامت احزاب میباشد.

با کمی پژوهش و کنکاش در اینترنت آگاه میشویم که مطابق با تعریف، جمهوری نوعی حکومت است که در آن مسئولین حکومت از راه موروئی منصوب نشوند، ریاست کشور با رای مستقیم یا غیر مستقیم مردم برگزیده شده و دوران تصدی او معین و محدود باشد. تأکید اصلی مفهوم جمهوری بر عدم وجود شغل و مسئولیت دائمی برای شخص اول مملکت است. با توجه به این معنی، 14 سال پیش در دسامبر 2005 میلادی مطابق با آذر 1384 مقاله "[چرا جمهوری](#)" را نوشتم.

در آن هنگام با نام کاربری سیاسی "هیچکس" یعنی فردی که در صحنه سیاست کسی نیست، و با تعریف زیر از هیچکس مینوشتم:

من هیچکس هستم، یکی از هفتاد میلیون ایرانیهای داخل و خارج، حقوق بگیرم و به فکر امروز و فردای زن و بچه و عاقبت وطنی که هنوز به یادش بغضم میگردد. نه روزنامه نگارم و نه استاد علوم سیاسی، نه سر پیازم و نه ته آن. ولی خود پیازم و عاشق ایران. خسته شده ام از اینهمه پروفیسور و مدعای سیاسی که برایم راه و چاه میافرینند. برمیخیزم تا بگویم که من هم هستم. و تا هستم ایران هست و آزاد انسان ایرانی.

(توجه بفرمایید که تلاش من نگاه غیر روشنفکری به مسایل وطن عزیزمان و بیان آنها به زبان غیر روشنفکری است)

از آنجاییکه از سال 1978 میلادی (1357 خورشیدی) مقیم امریکا هستم و فرایند حکومت جمهوری امریکا را در پیشرفت چشمگیر این کشور در مدت کوتاه کمتر از سیصد سال را تجربه کرده‌ام، در مقاله "چرا جمهوری" به تفصیل و در زبان ساده در فواید حکومت جمهوری و از جمهوری امریکا نوشتم و باور می‌کردم که یک جمهوری شبیه به آن در ایران امکان دارد! خیلی زود، در 2007 میلادی به این "آگاهی" رسیدم که جمهوری در ایران اسم حکومت است نه رسم حکومت چون **زیرساختهای جمهوری در ایران وجود نداشته و ندارند!**

پیشگفتار

من به تکامل باور دارم. یک فرآیند تکامل، تاثیر، تغییر، یا اصلاح ژن برای بقاست. پژوهش نشان می‌دهد که این اصلاح، وابستگی بسیار و مستقیم به آنچه در پیرامون ما می‌گذرد دارد. مثال و دلیل فراوان است. نگاهی به تفاوت گیاهان، حیوانات، و انسانها، و سازگاری آنها با محیط برای بقا نشان تکامل را آشکار می‌کند. همراه با تکامل ظاهری، فکر، نگاه، و باطن انسان هم از محیط تاثیر می‌گیرد. مثلا میتوانم درک کنم که پذیرش حکومت شیخ و شاه (استبداد) در پندار، گفتار، و کردار انسان ایرانی نهادینه شده است. چرا؟ بیش از 2500 سال حکومت استبدادی و موروثی شاه و دخالت شیخ در حکومت، جامعه ایران را از فرصت رشد فکر سیاسی و اجتماعی و اجازه شرکت در سیاست کشور و آزادمنشی محروم کرده است. با وجود این، میدانیم که در گذر زمان باور و نگاه انسان تغییر می‌کند. این تغییر میتواند خوب یا بد باشد (به روز شدن یا به قهقرا رفتن).

پس از گذشت 14 سال، بر آگاهیها و تجربیاتم افزوده شد، بقول معروف پخته تر شدم. نگاه من به حکومت جمهوری در ایران به روز شد! من می‌گویم این تغییر بواسطه پذیرش حقیقت در صحنه سیاسی بوده است.

در 2008 میلادی به این "باور" رسیدم که جمهوری در ایران اسم حکومت است نه رسم حکومت. آماده میشدم که "خداحافظ جمهوری" و جایگزین حکومت جمهوری را تعریف، تحلیل و نوشته کنم. بازی روزگار در کار سیاسی یکدستی ام (یکدست صدا دارد) بازنشسته ام کرد! دلایل چند بودند. از جمله فرض کنیم پیامی ضمنی دریافتیم بدین مضمون: "اینها را ما آورده ایم و تا ما نخواهیم هیچ شخص یا گروهی نتیجه کار نخواهد داشت!" یعنی تا میتوانید بگویید، بنویسید، راه چاره نشان بدهید اما همه سر کارید!

من اهل سرکار گذاشتن مردم نبوده و نیستم. مشکلات شخصی و خانوادگی هم دلیلی در انبان دلایل بازنشستگی بود. جامعه روز ایران هم چه درون و چه بیرون، آمادگی شنیدن، چه برسد پذیرش حقیقت یا دیدگاه متفاوت را نداشت. پس بازنشستگی از تلاش سیاسی یکدستی را گزینه کردم. کلاه "به من چه" بر سر کردم و با خود گفتم از من داناتر و توانمندتر هستند که درد ایران را بررسی کنند، چاره بیاندیشند و اگر مداوا نمیکنند حداقل، نتایج پژوهش و تحلیل خود را از راه رسانه یا مقاله در اختیار علاقمندان می‌گذارند.

در ادامه بازی روزگار توپ چرخید و بازیگران جدیدی به بازی سیاست جهانی ورود کردند. در سال 2017 میلادی رییس جمهور وقت امریکا، داندل ترامپ، با داستان برجام تلنگری به حکومت ایران زد که پس لرزه های آن بسیاری از ما ایرانیان را تکان داد. در این تکان، کلاه "به من چه" از سرم افتاد. از نو لباس کار سیاسی به تن کردم و با ابزار جدید توییترو با نام کاربری **سپهبد سورنا** برای رضای ندای وجدانم و با باور و تجربه یکدست صدا دارد وارد تلاش پشت صحنه شدم.

سپهبد را برگزیدم چون زنده یاد مانوک خدابخشیان، تحلیلگر سیاسی ساکن امریکا از السیسی ایران میگفت، اشاره به ژنرال السیسی در مصر. هوشنگ امیراحمدی، شخصیت سیاسی پرسش برانگیز ساکن امریکا، از حکومت نظامیان میگفت. در خانواده نظامی هم بدنیا آمده و بزرگ شدم. سپهبد را برگزیدم چون نجات ایران فرمانده می‌خواهد.

سورنا را برگزیدیم چون حسن عباسی تحلیلگر رژیم ملاتاریا، ساکن ایران برای مشروعیت ارجحیت خود از فرماندهی سورنا در مقابله با روم میگفت. سپهبد سورنا، شاه اشکانی را به تخت نشاند و خدمات بسیار کرد. همان شاه او را کشت!!
سورنا را برگزیدیم تا همواره یاد خود و دیگران بیاورم که پادشاهی و حکومت موروثی همراه خدمت به ایران خسارات بسیاری به ایران آورده است. تلاش یکدستی: آنجا که امکان تلاش گروهی نیست میشود فردی کار کرد. با اینترنت و دسترسی به رسانه های اجتماعی تلاش یکدستی صدا دارد. چرا پشت صحنه؟ زیرا ابزار و امکان تلاش آشکار ندارم. اما ندای وجدانم سالهاست که آرامش از زندگی ام گرفته است! باید کاری میکردم و کنم!

ندای وجدان: فیلم (Mercury Rising) را دیده اید؟ بروس ویلیس در نقش مامور پلیس مرکزی امریکا، اف پی آی، داوطلبانه حفاظت پرسی آنتیستیک را بعهده میگیرد. رییسش میپرسد چرا اینکار را میکنی؟ حفاظت از جان او مسئولیت تو نیست! گفت اگر من نکنم چه کسی خواهد کرد؟!

گفتار

در راهی از استبداد پادشاهی و حکومت موروثی، بسیاری از ما فکر میکردیم (میکنیم) مدل حکومت مناسب و حتی ایده آل برای ایران جمهوری است، نوع حکومتی که مدیر کشور از طریق آرای مردم و به مدت معین انتخاب میشود. بسیاری از ما این باور را بدون اینکه از جمهوری شناخت ساختاری داشته باشیم پذیرفته بودیم. با مرور سیر وقایع در 12 سال اخیر ایران بر این باور قاطع شده ام که جمهوری در ایران کاربرد ندارد! اما چرا؟

پیشتر نوشتیم: زیرساختهای حکومت جمهوری در ایران وجود نداشته و ندارند! برپایی جمهوری پیشنیاز دارد مثلا آزادی بیان، آزادی سیاسی، آزادی اندیشیدن، آزادی انتخاب، رسانه آزاد. زیرساخت سیاسی-اجتماعی ایران با این پیشنیازها هماهنگی ندارد. بافت سیاسی-اجتماعی ایران در 3000 سال گذشته ناشی از حکومت دیکتاتوری، تک نفره، موروثی، و پیوند مذهب یعنی دروغ با حکومت بوده است. نتیجه این شده که ایرانی فطرتاً (بدون عمد) مذهبی، دروغگو، و دیکتاتورمنش است. این نگرش و رفتار، اقتضای طبیعتش شده است! مگر اینکه این نگاه و رفتار را پاکیزه یا قرنطینه کنیم! آیا میشود؟ آری، اما سخت است. زمان میرد، شاید 3 نسل! با دمکراسی، سکولاریسم، آزادی، عدالت اجتماعی، شاید زودتر!

دروغ، دیکتاتور صفتی و دخالت مذهب در سیاست با جمهوری هماهنگی ندارد. چون ندارد جمهوری میگوییم (فرب) دیکتاتوری عمل میکنیم (حقیقت)!

با کمی کنکاش، درمیابیم که جمهوری حکومت رایج در دنیاست. با پژوهش پرسشگر، درمیابیم که بسیاری از کشورها در اسم جمهوری هستند نه در کردار. نگاهی به کشورهای اطراف ایران کنیم. آیا میخواهیم خودفربی کنیم و اسم جمهوری را یدک بکشیم؟ میگوییم خیر، زیرا که من با دروغ و خودفربی مخالفم.

بی انصاف نباشیم. کشورهایی هستند که حکومت جمهوری در آنها خوب عمل میکنند. در شناخت و انتظار ما دو کشور امریکا و فرانسه الگو برای آن جمهوری هستند که ما میخواهیم! پرسش این خواهد بود که آیا بافت سیاسی-اجتماعی ایران مانند امریکا یا فرانسه است؟ البته که نیست!

حال فرض کنیم که تعریف کتابی جمهوری در ایران میسر است. اصلاً فرض اینکه جامعه سیاسی-اجتماعی-اقتصادی ایران مانند امریکا یا فرانسه است! جمهوری فرانسه چند صد سال طول کشید به آنچه که هست رسید؟ آیا میشود 200 سال تلاش و تجربه کرد که به یک جمهوری لائیک در ایرانی که کارخانه مذهب است و لاجرم جامعه ای متأثر از مذهب دارد برسیم؟ البته که نه!

ایران کارخانه مذهب: با اندکی پژوهش در میابیم که بسیاری از مذاهب مطرح دنیای دیروز و امروز ناشی یا ساخته از تمدن و فرهنگ ایران بوده است. از جمله میترایی، زرتشتی، مزدکی، مانوی، مسیحیت، اسلام، شیعه، اسماعیلیه، بابی و بهائی. ایران و نجات باور یهود هم ثبت تاریخ است.

آیا چون هنر نزد ایرانیان است و بس، میتوانیم در کوتاه مدت مثلا 20 سال به جمهوری شبیه فرانسه یا امریکا برسیم؟ آنهم پس از انحطاط اخلاقی و فسادى که جمهوری اسلامی در بافت سیاسى، اجتماعى، اقتصادى، و آموزشى ایران نهادینه کرده! البته که نه!

پس چه میشود؟ نام حکومت را جمهوری میگذاریم که دلمان خوش باشد حکومت جمهوری داریم! با دلایلی که نوشتیم (عدم زیرساختها و پیشنیازهای جمهوری در بافت سیاسى-اجتماعى ایران)، میگویم این خودفریبی است. در اسم، نوع حکومت ایران جمهوری ثبت دنیا میشود اما رفتار آن استبدادى خواهد بود!

ما یک کشور آسیایى هستیم. حالا چه اصرار که شبیه جمهوری امریکا یا فرانسه شویم؟ میتوانیم مانند جمهوری چین شویم! اقتصادش در نیم قرن بر دنیا غلبه کرده است. آیا در چین دمکراسى، انتخابات آزاد، یا رسانه آزاد برقرار است؟ البته که نه! میدانیم که جمهوری در دیکتاتورى چین فریب است.

آیا نیاز است از مثلا جمهوری روسیه و دیکتاتورى پوتین بگویم؟

میتوانیم مانند جمهوری هند باشیم! آوازه دمکراسى هند در دنیا زبانزد است. جمهوری فدرال در هند برقرار است. آیا ما مانند هندیها انسانهایی سرزیر هستیم با تجربه چند صدساله استعمار مستقیم و بردگی انگلیس! آیا درک و پذیرش معنی و عملکرد فدرالیسم را داریم؟ من میگویم خیر، نداریم. ایران هستیم و ایرانی!

نگاهی به اروپا کنیم، مثلا جمهوری فنلاند! هم دمکراسى دارد هم اروپاییست، یعنی کشور مدرن غربی! آیا میشود جمهوری شبیه به فنلاند داشته باشیم؟ البته که نه! ایران کجا و فنلاند کجا. خود فریبی نکنیم.

جمهوری در ایران شدنی نیست! جمهوری خواهان، برای اثبات اینکه جمهوری ایران، حکومت آزادى و عدالت اجتماعى خواهد بود به جمهوری پسوند میدهند. مثلا اسلامى، دمکراتیک، کمونیست کارگرى، سوسیالیستى، فدرال، مردمى، و امثالهم! اینها نقض غرض و فریب است. مگر چند مدل جمهوری داریم؟ اگر جمهوری حکومت مناسب است چرا به پسوند برای تعریف نوع آن نیاز است؟

نتیجه

ایران یک محدوده جغرافیایی نیست. ایران یک تمدن و فرهنگ است. فراتر از آنچه آموخته ایم. به فراخی پایه ای از تمدن جهان. تمدنی چند قومى، چند زبانی، بدون تجربه رنسانس! سرزمین تولید یا مونتاژ مذاهب امروز جهان. مستقر در 4 راه منافع جهانی! جمهوری برای اداره این ایران کم میاورد!

بررسی عملکرد جمهوری در ایران و کشور زندگانیم امریکا مرا به این تکامل فکرى رسانده است که جمهوری آنچه فکر میکردم و میکنم نیست. در دنیای امروز، حتی در امریکا، کشور دمکراسى ولى دو حزبی، جمهوری یک پوسته حکومتى است که آنرا به مردم در شمایل یا باور حکومت مردم بر مردم خورانده اند در حالیکه خطوط اصلی حکومت را انجمن های پنهان و عیان، شرکتهای چند ملیتی، سرمایه داری، از راه حزب حاکم تعیین میکنند.

یا نوشت

انتشار این نوشته 16 دسامبر 2022، مطابق است. در توییت به دلیل عدم کاربى جمهوری در ایران پرداخته بودم. با توجه به شرایط روز ایران (خیزش جوانان برای نجات از طاعون ملاتاریا) لازم دیدم مقاله که که در 2019 شروع کرده بودم، ویرایش، تمام و منتشر کنم.